

ی حرفی

یاختشی دوست یامان گونده بللنر.

«دوست خوب در زمان سختی معلوم میشود(دوست آنست که گیرد دست دوست در پریشانحالی و درماندگی)».

یاشدا یانئر قورونون اوتونا.

«تر هم به آتش خشک می سوزد.(تر و خشک با هم می سوزد)».

یاغیشدان قورتولوب دولوبا دوشدوک.

«از چاه درآمده توی چاله افتادیم».

یالانچنینن حافیظه سی اولماز.

«دروغگو حافظه ندارد».

یامان گونون عمرو آز اولار.

«عمر روز سخت کم است(پایان شب سیاه سپید است)».

یانسنن چیراغی، گلسین ایشئغی.

«چراغش روشن باشد، نورش بیاید».

یای وار ، قننش وار، چوخ ایش وار.

«تابستان هست ، زمستان هست ، کار زیاد است».

یکه باشئن یکه بلاسی اولار.

«هر چه سر بزرگتر ، درد سر بیشتر(هر که بامش بیش برفش بیشتر)».

یئر برک اولاندا، اوکوز اوکوزدن گوره ر.

«وقتی زمین که سفت است، گاو فکر میکند تقصیر گاو دیگر است».

ینرین قولاغی وار.

«دیوار موش دارد ، موش هم گوش دارد».

یوفورت نوکولسه یئری قالار ، ایران نوکولسه نه پی قالار؟

«اگر ماست بریزد جایش میماند، اگر دوغ بریزد چه چیزی از آن میماند؟»

یومورتاسی ترسه دوشوب.

«کلافه است».

